

اجماع در اصلاح صورت‌های مالی

نقد و بررسی دستورالعمل محاسبه سود بانک‌ها به روش تعهدی

اشاره

در شماره‌های ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ این مجله "دستورالعمل محاسبه سود بانک‌ها به روش تعهدی" را که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی به بانک‌های دولتی ابلاغ شده بود، مورد نقد و بررسی قرار دادیم و ضمن نظرخواهی از مقامات مسوول در این امر و همچنین از صاحبان نظر آشنا به فعالیت‌های بانک‌ها، تقریباً به این اجماع رسیدیم که تردید و تشکیک در این دستورالعمل بجا بوده است، کمالینکه:

(۱) نظریه کارشناسان بانک مرکزی حاکی از آن است که تعیین نرخ سود در قانون عملیات بانکی بدون ربا، باید با نظر به عملکرد بخش واقعی و با توجه به نوع عقد انجام شود و مبنا قراردادن میانگین سه‌ساله نرخ موزون تسهیلات اعطایی بانک‌ها که در دستورالعمل تهیه شده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی مبنای محاسبه سود معاملات عقود اسلامی قرار گرفته است، تنها می‌تواند در عقود غیرمشارکتی مورد استفاده قرار گیرد و این شیوه محاسبه نمی‌تواند مبنای عملکرد واقعی بانک‌ها باشد.

در عقود مشارکتی، به دلیل ماهیت خاص آنها، نرخ سود از پیش قابل تعیین نیست و در پایان فرایند مشارکت نیز با امکانات نرم‌افزاری موجود کشور، نمی‌توان سود واقعی را محاسبه کرد.

(۲) همین تعبیر را در نظریه یکی از مدیران سابق و صاحبان نظر در امور بانکی (اسدالله امیراصلانی) هم ملاحظه کردیم دایر بر این که اعلام "حداقل سود موردانتظار" از سوی شورای پول و اعتبار، از جمله ابزارهای سیاست پولی است و به این معنا نیست که سود محقق شده باید به همین اندازه باشد. بنابراین، "حداقل موردانتظار" عملکرد واقعی بانک‌ها نیست و نمی‌توانیم میانگین این حداقل‌ها را بگیریم و براساس این میانگین، صورت‌وضعیت مالی تنظیم کنیم. به عبارت دیگر، نمی‌توان ارقام "حداقل سود موردانتظار" را به عنوان معیار تشخیص سود عملیات قراردادهای بانکی در ترازنامه‌های مالی منظور کرد.

(۳) یکی دیگر از صاحبان نظران هم که سال‌ها دبیر شورای عالی بانک‌ها بوده است (مجتبی کردنوری) از زاویه‌ای دیگر به موضوع نگریسته و اظهار نظر کرده است که درآمد بانک‌ها باید در زمان وصول شناسایی شود تا از کم‌نمایی درآمدها در یک سال و بیش‌نمایی در سال دیگر پرهیز شود و به همین علت، مطابق مفاد بیانیه سازمان حسابداری و حسابرسی برای نهادهای مالی اسلامی، درآمد می‌باید پس از تحقق شناسایی شود.

(۴) پژوهشکده پولی و بانکی هم اگرچه برخورد محافظه‌کارانه‌تری با موضوع کرده، لیکن سرانجام ناقص بودن این روش را پذیرفته و اعلام کرده است که چنانچه میانگین سود تسهیلات اعلام شده توسط شورای پول و اعتبار مبنای محاسبه سود قراردادهای مشارکتی بانک‌ها قرار گیرد، می‌توان تا اندازه‌ای به

واقعی بودن صورت‌های مالی امیدوار بود. بنابراین، پیشنهاد کرده است که برای این منظور باید روش دیگری تدوین شود.

(۵) دادستان کل کشور (حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی) نیز از منظر دیگری به نقد این دستورالعمل پرداخته و ضمن تاکید بر ضرورت پرهیز از صورت‌سازی و نشان دادن ارقام غیرواقعی، یادآور شده است که این قبیل محاسبه‌ها، نشان‌دهنده عملکرد واقعی نیست و به‌علاوه، شبهه شرعی نیز دارد.

ملاحظات ناشی از برخی الزامات، از جمله تعامل با موسسات مالی و بانکی بین‌المللی، اجرای روش تعهدی را به نوعی ضرورت تبدیل کرده بود.

(۶) و سرانجام، سازمان حسابرسی که مرجع تخصصی و رسمی تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در سطح کشور می‌باشد و علاوه بر این، به طور خاص در تهیه متن دستورالعمل محاسبه سود بانک‌ها به روش تعهدی نیز مداخله داشته است، ضمن تشریح مشکلات موجود در راه محاسبه صحیح و دقیق سود قراردادهای مشارکتی بانک‌ها و با اشاره به شرایط خاص و محدودیت زمانی در روند تدوین دستورالعمل مزبور و همچنین ضمن ارایه توضیحات لازم درباره قواعد و استانداردهای معتبر حسابداری،

است یا نه، ذکر نکاتی در تبیین اقدامی که صورت گرفته، موجب شفافیت اذهان می‌گردد:

از زمانی که الزام به تغییر رویه شناسایی و ثبت درآمد تسهیلات بانکها از نقدی به تعهدی مطرح شد، در جریان بررسی آن از سوی دست‌اندرکاران، همه موانع و محدودیت‌ها و هر آنچه لازم‌الرعايه و مرتبط با موضوع بود، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و هیچیک از مواردی که در نقدها مطرح می‌شود، دور از ذهن نبود، لکن ملاحظات ناشی از برخی الزامات، از جمله تعامل با موسسات مالی و بانکی بین‌المللی و سایر موارد، اجرای آن را به نوعی ضرورت تبدیل کرده بود. آنچه که وجهه همت قرار داشت، این بود که با وجود مشکلات و موانع، سازوکار اجرایی به گونه‌ای تنظیم شود که کمترین تعارض را با اصول و قواعد داشته [باشد] و همچنین به مرور با ایجاد تغییراتی در سیستم‌ها، انطباق کامل حاصل شود. مقبولیت شناسایی درآمد عقود مشارکتی در سال ۱۳۸۳ بر مبنای میانگین موزون سه سال قبل از آن نیز در این راستا قابل توجیه است.

علاوه بر این، اگر بپذیریم که

نرخ‌های تعیین‌شده از سوی شورای پول و اعتبار براساس عملکرد واقعی بخش واقعی اقتصاد صورت گرفته، نرخ نیز که براساس میانگین آنها برای شناسایی درآمد به دست می‌آید، نمی‌تواند تفاوت قابل‌اعتنایی با عملکرد واقعی داشته باشد.

از طرفی، بخش عمده، یعنی حدود ۶۵ درصد تسهیلات تخصیصی در قالب عقود غیرمشارکتی است که شناسایی درآمد آنها براساس قراردادهای مربوطه به طور واقعی صورت می‌گیرد. در عقود مشارکتی درست است که به دلیل ماهیت خاص آنها، نرخ سود از پیش قابل‌تعیین نیست، ولی با عنایت به این واقعیت که به لحاظ تعداد کثیر، تنوع و امکان ادغامی بودن فعالیت‌ها در معاملات مشارکتی، در پایان فرایند مشارکت نیز با امکانات نرم‌افزاری موجود



② مقامات مسوول در امر نظارت و مدیریت امور حسابداری و حسابرسی بانکها، باید با نگاهی عمیق‌تر و مسوولانه‌تر به روش تنظیم صورت‌های مالی و ترازنامه عملیات بانک‌ها بنگرند.

ملاحظات ناشی از الزامات!

اصولاً، صاحب‌نظران و متخصصانی که دغدغه محدودیت‌های موجود در حوزه اجرا را ندارند، به‌طور انتزاعی و مطلق‌گرا، انطباق کامل و بی‌کم‌وکاست هر تصمیمی را با اصول و ضوابط انتظار دارند. به جهت این که اینگونه موضع‌گیری‌ها مبتنی بر اصول و قواعد و استانداردها است، به هیچوجه قابل نفی و انکار نیست، لکن می‌شود این انتظار را داشت که رد هر رویه و تصمیمی همراه با رایحه راهکارهای عملیاتی و قابل‌اجرا، با لحاظ نمودن تمامی محدودیت‌ها و الزامات و در قالب‌های موجود باشد.

صرفنظر از این که ثبت تعهدی درآمد تسهیلات بانک‌های دولتی، با وجود طرح‌های بلندمدت منطقی

یادآور شده است که دستورالعمل مورد اشاره، تنها به منظور امکان برآورد در سال ۱۳۸۳ مورد استفاده بانک‌ها قرار گرفته و از سال ۱۳۸۴ به بعد، باید درآمد هریک از قراردادهای براساس شرایط قرارداد تعیین شود.

بنابراین، تاکنون می‌توان به این جمع‌بندی رسید که مقامات مسوول در امر نظارت و مدیریت امور حسابداری و حسابرسی بانک‌ها - از جمله مجامع عمومی بانک‌های دولتی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و سازمان حسابرسی - باید با نگاهی عمیق‌تر و مسوولانه‌تر به روش تنظیم صورت‌های مالی و ترازنامه عملیات بانک‌ها بنگرند و برای بهبود روش‌های موردعمل در زمینه تنظیم صورت‌های مالی بانک‌ها بیش از پیش بکوشند.

بدیهی است که از نظر این مجله به عنوان یک نشریه تخصصی در حوزه بانکداری، روشن‌شدن واقعیت امر در همین حد، خود یک نتیجه مطلوب برای مرحله اول بشمار می‌آید. بنابراین، ضمن پیگیری این بحث، در انتظار خواهیم ماند تا تاثیر این بحث‌ها و شفاف‌سازی‌ها را در تنظیم صورت‌های مالی و ترازنامه‌های بعدی بانک‌ها شاهد باشیم و در صورت لزوم، بار دیگر

به نقد و بررسی عملکردها بپردازیم: «شب دراز است و قلندر بیدار».

اما چون در جریان نظرخواهی راجع به درجه صحت و سقم دستورالعمل محاسبه سود بانک‌ها به روش تعهدی، از برخی از بانک‌های عامل کشور هم نظرخواهی کرده بودیم، لذا در این شماره پاسخ واصله از کارشناس ارشد امور مالی بانک تجارت (شهرروز دلشاد نمینی) را درج می‌کنیم تا دیدگاه بانک‌ها در این زمینه نیز مطرح شده باشد. سپس طرح پیشنهادشده از سوی مدیرعامل سابق بانک ملی ایران در مورد لزوم به‌کارگیری ابزارهای جدید را مطرح خواهیم کرد تا این بحث به تدریج به سوی راهکارهای کاربردی هدایت شود.

بانک و اقتصاد

کشور، نمی‌توان سود واقعی را محاسبه کرد، لذا بانک قبل از ورود در هر معامله مشارکتی، موضوع آن را از ابعاد فنی، اقتصادی و مالی بررسی [می‌کند] و پس از احراز توجیه آن و اطمینان از این که با انجام مشارکت، حداقل سود موردانتظار براساس دامنه نرخ‌های تعیین‌شده از سوی شورای پول و اعتبار حاصل خواهد شد، تصمیم به مشارکت در معامله می‌گیرد. به عبارت دیگر، میزان سود براساس واقعیت‌های موجود به نوعی از پیش قابل برآورد است. مواردی نیز که در فرایند مشارکت تحت‌تاثیر برخی متغیرها تردید نسبت به تحقق درآمد آنها در یک دوره مالی ایجاد می‌شود، از شمول شناسایی مستثنا می‌شوند.

نرخ‌های ابلاغی توسط شورای پول و اعتبار نیز برگرفته از قیمت تمام‌شده پول ناشی از هزینه‌های عملیاتی، حق‌الوکاله بانک و سود سپرده‌ها است که آن هم به نوبه خود براساس شاخص‌های کلان اقتصادی تعیین می‌گردد.

ابهام دیگری که مطرح شده، احاله بانک‌ها به هماهنگی با سازمان حسابرسی برای رفع هرگونه ابهام است. تنظیم سیاست‌های پولی و اعتباری و نظارت بر نحوه اجرای آنها از اختیارات بانک مرکزی است. این امر که بانک مرکزی برای اطمینان از رعایت اصول و استانداردهای حسابداری و انطباق اقدام موردنظر با آن، در قالب اختیارات خود هماهنگی با یک موسسه فنی و تخصصی موردوثوق را توصیه کند، به نظر نمی‌رسد نافی مسوولیت و اختیار آن بانک باشد.

لازم است به این نکته هم اشاره شود که بعضاً تداخل وظایف و مسوولیت‌های مراجع ذیربط در راهبردهای اجرا و اعمال اینگونه امور، سبب تناقض در اتخاذ تصمیمات و تاخیر در حصول نتایج موردنظر می‌گردد که امید است با تعاملات لازم در جایگاه خود، از این پس شاهد بروز آن نباشیم.

پیشنهاد ابزارهای بهینه

وجود تفاوت بین عقود با بازدهی ثابت با عقود مشارکتی، و همچنین عدم‌انطباق تاریخ پایان برخی از عقود مشارکتی با سال مالی بانک‌ها و تاریخ تنظیم ترازنامه و صورت‌های مالی و وجود ابهامات و چالش‌های نظری درباره چگونگی محاسبه سود قراردادهای تسهیلات مبتنی بر عقود مشارکتی، صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران بانکداری بدون‌ریا در کشورمان را بر آن داشته است تا به فکر راه‌حل باشند و ابزارهای تازه‌ای

را طراحی کنند تا پاسخگوی مسایل مزبور باشد. نمونه‌ای از اینگونه تلاش‌ها طرحی است که در سال ۱۳۸۳ توسط مدیرعامل سابق بانک ملی ایران ارائه شد و در شماره ۵۰ همین مجله نیز درج گردید.

ارایه این نمونه، هم به منظور گشودن باب تازه‌ای برای جستجوی راه‌حل‌های عملی است، و هم به منظور یادآوری مسوولت مدیرانی است که خود درگیر اجرای مقررات بانکداری بدون‌ریا می‌باشند.

مقدمه

آنچه تقریباً تمامی منتقدان نظام بانکداری موجود در ایران بر آن متفق‌القول می‌باشند، بروز مشکلاتی همچون شبهه ربوی و صوری‌بودن بعضی از معاملات در این نظام است، هرچند که عده‌ای نیز پای را فراتر گذاشته‌اند و عملیات بانکداری در ایران را عملیات ربوی می‌دانند^(۱).

منتقدان مزبور عوامل متنوعی را به عنوان ریشه‌های این انحراف ارایه می‌نمایند و به طور کلی براساس این دلایل آنها را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

- گروه اول: منتقدانی که علت انحراف از قانون بانکداری بدون ربا را عمدتاً ابهامات موجود در قانون دانسته و مهمترین راه‌حل موجود را در شفاف‌سازی و بازنگری در قانون بانکداری بدون‌ریا جستجو می‌نمایند^(۲).

هدف از ارایه این طرح، تعریف

ابزارهای بهینه‌برای تجهیز منابع در نظام بانکداری بدون‌ریاست.

گروه دوم: منتقدانی که علت این انحراف را در عملکرد بانک‌ها و سازماندهی نظام بانکی جستجو می‌کنند. این افراد علت این انحراف را عدم‌خودباوری بانک‌ها، عدم‌وجود فضا و وظایف مناسب برای اجرای قانون ... می‌دانند^(۳).

جدای از این بحث که کدامیک از این دو گروه، بهتر توانسته است مشکلات موجود در نظام کنونی بانکداری ایران را تفسیر نماید، آنچه جالب توجه است، این است که هر دو گروه برای بهبود وضعیت در بخش تجهیز منابع، با توجه به میزان ریسک‌پذیری مشتریان بانک، راه‌حل‌های مشابهی را ارایه نموده‌اند: **پیشنهاد گروه اول**^(۴): کارشناسان این گروه

معتقدند که با توجه به نوع عقود که آنها را می‌توان به عقود با بازدهی ثابت و ازپیش‌تعیین‌شده (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، خرید دین) و عقود با بازدهی متغیر (عقود مشارکتی، سلف و اجاره معمولی) تقسیم‌بندی نمود، می‌توان دو نوع حساب سپرده جدید ارایه کرد:

(۱) حساب سپرده (پس‌انداز و سرمایه‌گذاری) با سود ثابت ازپیش‌تعیین‌شده: موجودی این حساب صرفاً در عقود با بازدهی ثابت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منتقدان نظام بانکداری موجود در ایران

متفق‌القولند که شبهه ربوی و

صوری‌بودن بعضی از معاملات در این

نظام وجود دارد.

(۲) حساب سپرده سرمایه‌گذاری با سود متغیر: موجودی این حساب می‌تواند در کلیه عقود به صورت مشاع استفاده شود.

البته در این پیشنهاد، حساب قرض‌الحسنه جاری به حساب سپرده جاری تغییر نام یافته، و حساب دیگری تحت عنوان حساب سپرده قرض‌الحسنه نیز مطرح است، که صرفاً مردم براساس باورهای دینی خود و برای کمک به محرومان در این حساب سپرده‌گذاری می‌نمایند. لذا هیچگونه سودی به این حساب تعلق نمی‌گیرد، و بانک هم موظف است که در جهت رفع مشکلات مردم از آن استفاده نماید. **پیشنهاد گروه دوم**^(۵): این گروه هم دو نوع حساب سپرده به شکل زیر را پیشنهاد می‌نماید:

(۱) سپرده ممتاز: این سپرده‌ها از نوعی است که حقیقتاً از طریق بانک اسلامی به مصرف عملیات حقیقی اسلامی (مانند مشارکت، فروش اقساطی و احتمالاً مضاربه) خواهد رسید و در سودهای انباشته‌شده واقعی حاصل از عقود متعدد مشارکت در طی یک سال شریک خواهند بود. بدیهی است که نرخ سود متعلق به اینگونه سپرده‌ها متغیر بوده و از سالی به سال دیگر و یا حتی از بانکی به بانک دیگر ممکن است تغییر کند.

(۲) سپرده عادی: این سپرده‌ها از نوعی هستند که چون سودهای واقعی انباشته‌شده حاصل از عقود متعدد مشارکت در طی یک سال به آنها تعلق می‌گیرد،

لذا شبیه سپرده ممتاز هستند با این تفاوت که نرخ سود متعلق به آنها ثابت است.

با توجه به نقطه نظرات هر دو گروه، به نظر می‌رسد که گروه اول به علت این که قبل از تعریف انواع سپرده‌ها، تقسیم‌بندی جامعی را در ارتباط با انواع عقود (مشارکتی و مبادله‌ای) انجام داده، سپس بر اساس نوع عقود اقدام به تعریف سپرده‌های جدید می‌نماید، لذا راه‌حل مشخص‌تری را نسبت به گروه دوم ارائه نموده است.

آیا علت انحراف از قانون بانکداری بدون ربا، عمدتاً ابهامات موجود در قانون است، یا عملکرد بانک‌ها و سازماندهی خاص نظام بانکی؟

هدف از اجرای طرح

هدف از اجرای این طرح، تعریف ابزارهای جدید تجهیز منابع به شرح زیر می‌باشد:

- سپرده جاری (به جای سپرده قرض‌الحسنه جاری).

- سپرده قرض‌الحسنه.

- سپرده پس‌انداز با سود ثابت ازپیش تعیین شده (منابع این حساب به صورت مشاع صرفاً در عقود مبادله‌ای؛ فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله و خرید دین، استفاده می‌شود).

- سپرده سرمایه‌گذاری با سود متغیر (منابع این حساب به صورت مشاع در کلیه عقود استفاده می‌شود).

ضرورت اجرای طرح

- شفاف‌سازی معاملات بانکی و اجتناب از شبهه ربا و معاملات صوری.

- پاسخگویی به میزان ریسک‌پذیری مشتریان بانک‌ها، به طوری که افرادی که به دنبال ریسک بیشتری هستند، بتوانند در سپرده‌های مدت‌دار با سود متغیر سرمایه‌گذاری نمایند.

توضیح بعضی از ابهامات

- در سپرده مدت‌دار با سود ثابت از پیش تعیین شده، بانک با توجه به نیاز بازار و نرخ عقود با بازدهی ثابت موردنظر خود، به مشتری تضمین حقیقی^(۶) (و نه تعهد حقوقی) می‌دهد، که یک سطح معینی از سود را پرداخت نماید.

- رابطه بانک با سپرده‌گذار براساس رابطه وکیل و موکل است، لذا در صورتی که بانک نتواند از منابع استفاده نماید و مجبور شود که سود کمتری را پرداخت نماید، از لحاظ حقوقی با مشکلی روبرو نخواهد شد. ولی این امر باعث می‌شود که بانک به تدریج سهم خود از بازار را از دست بدهد. لذا بانک‌ها می‌توانند از طریق عقد صلح بخشی از سود خود را برای جبران کسری، در اختیار مشتری قرار دهند.

- نظر به این که بانک‌ها با توجه به وضعیت بازار و نرخ مورد نظر خود، اقدام به جذب منابع می‌کنند، لذا احتمال افزایش سود بانک و به تبع آن افزایش نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار با سود ثابت ازپیش تعیین شده، ضعیف است، ولی همانطور که بیان شد، امکان ضرر بانک در صورت عدم امکان استفاده از منابع وجود دارد. - قابل ذکر است که در تمامی کشورها، معمولاً

بانک‌هایی که با مشکل نقدینگی روبرو می‌شوند، اقدام به دریافت سپرده با نرخ‌های سود بسیار بالاتر از نرخ بازار می‌نمایند. در اینجا این وظیفه نظام نظارتی و همچنین سازمان‌هایی مانند صندوق بیمه سپرده‌هاست که از این امر جلوگیری نمایند. ■

پانوشته‌ها

(۱) توتونچیان، ایرج / ۱۳۷۹ / پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌گذاری / انتشارات توانگران / صفحه ۷۲۸.

(۲) موسویان، عباس / ۱۳۸۱ / بانکداری اسلامی / پژوهشکده پولی و بانکی / ویرایش دوم / چاپ سوم / صفحه ۲۱۱.

(۳) توتونچیان، ایرج / همان منبع / صفحات ۷۸۱ تا ۷۹۳.

(۴) برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله: طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا / موسویان، عباس / عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

(۵) توتونچیان، ایرج / همان منبع / صفحه ۷۹۶.

(۶) در تضمین حقیقی، بانک با شناخت و تجربه‌ای که از بازار و کشش بازار نسبت به عقود و تسهیلات و همچنین توانایی‌های خود (در زمینه کنترل کمی سپرده‌ها، تغییر نرخ تسهیلات، جایجایی در نوع حساب‌ها) دارد، می‌داند که از یک حجم مشخصی از سپرده به چه میزان (مثلاً ۱۵ درصد) از طریق عقود مختلف می‌تواند سود حاصل نماید. در این حالت، بانک می‌تواند (بعد از کسر هزینه‌های خود) در هنگام سپرده‌گذاری، درصد مشخصی از سود را به مشتری تضمین دهد. این نوع تضمین، تضمین حقیقی بوده و برای بانک تعهدآور نمی‌باشد. ولی در تعهد حقوقی، بانک بدون توجه به عقود و کارآیی خود، مستقیماً هم سپرده و هم مازاد را به عنوان سود ثابت تعهد می‌کند که این همان ربا بوده و حرام است.

بانک و اقتصاد

ماهنامه بانکی - اقتصادی

خواننده ارجمند

مجله بانک و اقتصاد برای شما تهیه می‌شود و از آن شما است.

بنابراین:

(۱) مطالب خودتان را برای درج در نشریه ارسال فرمایید.

(۲) ما را از پیشنهادهای و نظریات خود بهره‌مند کنید.

نشانی: تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۳ / صندوق پستی: تهران ۵۵۴۸-۱۴۱۵۵ / تلفن و نمابر: ۸۸۹۵۱۳۲۹